

نشست علمی تخصصی هنر ، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۳ تیر ۱۳۹۵

عنوان: جنسیت و فضا

سخنرانان و اعضای پنل: خانم دکتر آزاده شاهچراغی - آقای دکتر حسین سلطانزاده



چکیده‌ای از سخنرانی‌ها به شرح زیر می‌باشد.

آقای دکتر محمد مهدی محمودی در ابتدا چند خاطره در رابطه با این موضوع مطرح کردند. در اول مهر سال ۶۸ ، با مرحوم آقای دکتر مجتهدزاده و آقای دکتر قریب سرکلاس درس مجتمع‌های زیستی رفتیم، حدوداً ۸۰ دانشجوی سرکلاس حضور داشتند. که دانشجویان ورودی ۶۲ و ۶۳ بودند (۶۲ مصادف بود با بعد از انقلاب فرهنگی) برای من جالب بود آن فضای معماری که در دانشکده هنرهای زیبا است و کار معمار مرد بوده است، همه دانشجویان پسر جلو نشسته‌اند و ۷ الی ۸ دختر یک گوشه‌ای نشسته‌اند. سال به سال این جمعیت جابجا شد و اگر به سال ۹۰ برسیم، دقیقاً معکوس شد. از نظر سؤال کردن هم در سال ۶۸ دانشجویان دختری که آن گوشه نشسته بودند و سؤالی نمی‌کردند و بقیه کلاس سؤال می‌کردند ولی بعد از ۲۰ سال آن پسرانی که (۷ الی ۸ پسر) گوشه نشسته بودند سؤال نمی‌کردند و بقیه کلاس سؤال می‌کردند. بنابراین من این تغییر و تحول را در دانشگاه تهران دیدم، ولی چند سال بعد از آن، در سال ۷۲ برای تدریس در دانشگاه آزاد که یک خانه مسکونی دهه ۶۰ بود با اتاق‌های بسیار بزرگ و در آن زمان از نظر جنسیتی، دانشجویان در دانشگاه آزاد جدا بودند، وارد کلاس شدم. یک اتاق ۴×۶ با میزهای سفید پشت هر میز ۲ الی ۳ دانشجو بودند و همه دختر بودند. من برای اولین بار نفسم بند آمد و بسیار برای من سخت بود چون همه دختر بودند و یک پسر بین آنها نبود. در سال ۷۷ با فردی به نام آقای دکتر دیالو آشنا شدم که سفیر یونیسف در ایران بود. نظر او را درباره تفاوت خانم‌ها و آقایان در ایران در مقایسه با خارج از ایران پرسیدم. عجیب بود که تأکید می‌کرد که در ایران خانم‌ها سعی می‌کنند نشان دهند که با آقایان برابرند در صورتی که در کشورهای دیگر دنبال این داستان نیستند و خانم‌ها در

جایگاه خودشان و آقایان هم در جایگاه خودشان هستند. وی در ادامه به این نکته اشاره کردند که اکثر فضاهای معماری را معماران مرد طراحی کردند و تصور من این است یا فضای زنانه هم در آن فضاها در نظر گرفته‌اند یا خانم‌ها جایگاهشان را در آن فضا پیدا کردند که هنوز جوابی برای این سؤال پیدا نکردم... اگر صد سال گذشته به معماران معاصر جهان نگاه کنیم به غیر از حدوداً ۱۵ سال گذشته، همه آقایان بودند و بزرگوارانی که در این جلسه آمدند اکثراً خانم‌ها بودند. به این نتیجه رسیدم که موضوع جنسیت و فضا چه در جهان چه در ایران بسیار بحث‌انگیز است. آخرین سؤالی که داریم، همان طور که در دفتر خودمان می‌بینم تعداد خانم‌ها خیلی بیشتر شده است، بنابراین در طراحی که توسط عزیزان طراحی می‌شود جایگاهی برای ما آقایان هم از نظر استفاده‌کننده است یا نه؟

سخنران اول خانم دکتر آزاده شاهچراغی، خانم دکتر آزاده شاهچراغی با یک نگاه علمی به مسئله جنسیت و فضا پرداختند:

حقیقت این است که این فقط در فرهنگ ما معمول نیست بلکه در همه فرهنگ‌ها تا اواخر قرن بیستم، تفاوت‌های رفتاری مرد و زن را، بیشتر ناشی از فرهنگ، بستر فرهنگی و تعلیماتی که به دختر و پسر داده می‌شد، می‌دانستند و در سال ۱۹۸۰ برای اولین بار، یک سری تحقیقات علمی روی مغز زنان و مردان انجام شد و به این نتیجه رسیدند که بسیاری از تفاوت‌ها اصلاً ربطی به فرهنگ و تعلیمات و اکتساب ندارد. مثل این می‌ماند که نرم‌افزار خانم‌ها و آقایان متفاوت است و ساختار متفاوت است. وی در ادامه وارد بحث ادراک شدند و راجع به فرآیند ادراک و همبستگی حواس و ادراک انسان به طور مختصر توضیحاتی دادند. خانم شاهچراغی اولین گام را احساس محیط فرض کردند، و به این نکته اشاره کردند که سیستم مغزی زنان و مردان، تفاوت‌های خیلی جدی در پالایش و پردازش درک آنها از محیط دارد و این تفاوت‌های ادراکی ناشی از مغز، دریافت گیرنده‌های حسی و ادراک از محیط کاملاً متفاوتی است که از هم دارند. احساس محیط چون قدم اول ادراک است بلافاصله ادراک هم در آن تفاوت به وجود می‌آید.

وی در ادامه به مقایسه تفاوت‌های حواس زنان و مردان در ۵ حس کلاسیک پرداختند (بینایی، شنوایی، لامسه، چشایی و بویایی) و بر اساس آن به این نتیجه رسیدن که حواس خانم‌ها، به صورت تک تک بسیار قوی‌تر از آقایان است، ولی به طور کلی، مجموعه ادراکی آقایان قوی‌تر است. مردان در ادراک محیط کل نگر هستند و زنان جزء نگر هستند.

خانم شاهچراغی در آخر بر این مسئله تاکید کردند که در حرفه معماری، آموزشی که به خانم‌های دانشجوی می‌دهند باید کمی متفاوت از آموزشی که به آقایان می‌دهند، باشد. چون مسأله خلق فضاست و این فضا قبلاً باید تجربه شود که به ادراک دربیاید و اینها در ادراک با هم تفاوت دارند.

سخنران دوم آقای دکتر حسین سلطانزاده، آقای دکتر حسین سلطانزاده مسأله جنسیت و فضا را از دیدگاه تاریخی بررسی کردند.

مسأله مردسالاری در ابتدا فیزئولوژیک بوده است. در گذشته خانم‌ها درگیر فرزندان بودند و مسأله جنگ، نبرد، کار و... به عهده آقایان بود و همین‌طور تعداد فرزندان خانواده به خصوص پسر قدرت اجتماعی، قبیله‌ای و خانوادگی را تعیین می‌کردند. به همین دلیل خانواده‌ها می‌خواستند فرزند پسر داشته باشند که نوعی حمایت اجتماعی از آنها صورت بگیرد. (ولی امروزه قانون جای زور و بازو را گرفته و این مسأله دیگر قابل درک نیست.) دیگر اینکه فرزندان پسر نقش دفترچه بیمه تأمین اجتماعی هم ایفا می‌کردند. وقتی افراد مسن و از کار افتاده می‌شدند فرزندان پسر هزینه آنها را به عهده می‌گرفتند. این وظایف باعث می‌شد که نوعی نظام مردسالاری شکل بگیرد به خصوص در سخت‌ترین حالت آن که مخاطرات برون مرزی هم اضافه می‌شد. از نظر آقای سلطانزاده امروزه مردان مسئولیت‌های ذهنی و اجتماعی‌شان به شدت رو به کاهش است و مسئولیت‌های اجتماعی و مخاطرات ذهنی و دغدغه‌های ذهنی خانم‌ها رو به افزایش است. به طور نسبی به نظر من مردان امروز وضعیت‌شان بهتر از مردان گذشته‌اند.

وی به این مسئله تاکید دارند که علاوه بر اینکه به فضاهای معماری در گذشته توجه می‌کنیم و لذت می‌بریم، به زندگی ای که در فضاهای گذشته جریان داشته هم توجه کنیم و اینکه آیا افرادی هم که در گذشته در آنها زندگی می‌کردند، این احساس را داشتند یا نه؟ به ویژه در مورد باغ‌ها... عموماً بسیار رمانتیک و فانتزی با باغ‌ها برخورد می‌شود، که باغ‌ها همانند بهشت بودند، ولی با توجه به اسناد موجود متأسفانه مسأله جنسیت در باغ‌ها به گونه‌ای بود که فضا برای همه لذت بخش نبود.

وی در ادامه با اشاره به اسنادی که مربوط به دوره پیش از اسلام و همینطور دوره اسلامی داشتند، تجربه زیستی افراد در باغ را مطرح کردند. وی بر این باورند که این مسأله جنسیت و فضا و فشار روانی که به خانم‌ها در طول تاریخ گذشته وارد می‌شد، فقط پدیده مربوط به دوران پس از اسلام نبوده است و پیش از اسلام هم وجود داشته و عمدتاً یک پدیده تاریخی و جغرافیایی است. از این جهت می‌گوییم جغرافیایی، زیرا در دوران عیلامی‌ها، طبق کتیبه‌های به دست آمده، خانم‌ها جایگاه بسیار عظیم و ویژه‌ای داشتند، که برخی از ویژگی‌های آن در زمان امروز هم دیده نمی‌شود. تنها تصاویری که پادشاه با همسرش در حجاری حاضر است، دو نگاره متعلق به دوران ایلام است. پدیده جنسیت و مسائل اجتماعی به پدیده‌های جغرافیایی هم بستگی داشته است. فرهنگی ایلامی فرهنگ درخشانی بوده اما به دلیل اینکه ما در محیطی بودیم که هر کس از غرب به شرق یا برعکس باید از ایران گذر می‌کرده و هر کس از آب‌های سرد سیبری به آب‌های گرم خلیج فارس می‌خواسته دسترسی پیدا کند باید از کشور ما گذر می‌کرده بنابراین همواره مورد تاخت و تاز بوده است و این سبب شده که خانم‌ها تحت فشار مضاعف و عدم امنیت قرار داشته باشند. از این رو آریاهای مردسالار و کوچ‌نشین به ایران آمدند، خانم‌ها کم‌کم در صحنه‌های رسمی حذف شدند در حالی که از دوران آریایی به بعد به یاد ندارم پادشاهی در کتیبه‌ای رسمی، اسم همسرش را ذکر کند.

وی سپس به شاهنامه فردوسی اشاره کردند که به عقیده وی بسیار دقیق است. طبق آن زنان در آن زمان حق بیرون آمدن از اندرونی را نداشتند و برای این کار زمان و ساعت و وقت مناسب بوده است. وی بر این عقیده اند که اگر فشاری روی جنسیت بوده است، این به خاطر فرهنگ اسلامی نیست و بخش عمده آن به خاطر مسائل جغرافیایی و سرزمینی بوده است. حتی در قاجار هم به همین صورت بوده است که اندرونی به شدت محافظت می‌شده و خانم خانه حق نداشته از اندرونی به باغ عمومی بیای و یا صدای حرف زن، خندیدن و آواز خواندن او به بیرون آید. در کل وضعیت زنان اعیان و رجال ایرانی سخت‌تر از خانم‌های عادی بوده است. زیرا خانم‌های عادی مشارکت‌های بیشتری داشتند و خوشبخت‌تر از اعیان و اشراف بودند بنابراین این طور که ما به باغ‌ها نگاه می‌کنیم که چقدر زیباست و کسانی که در آن زندگی می‌کردند چقدر از زندگی در این باغ لذت می‌بردند، اگر اسناد گذشته را کندوکاو کنیم خواهیم دید که این فضای بهشت گونه که امروزه ما می‌بینیم خیلی هم در خیلی از باغ‌ها برای همه جریان نداشته است و این دیدگاه که باغ‌ها برای ساکنین آنها مثل بهشت بوده است یک دیدگاه فانتزی و غیر واقع بینانه‌ای است که متأسفانه این دیدگاه تکرار می‌شود و به طور مداوم گفته می‌شود. وی در ادامه افزودند که این طور نبوده است که فضای باغ، فضای زیبایی نباشد. فضای باغ دل‌انگیزترین فضا در معماری کهن ما بوده است و بیشترین متن در ادبیات ما به باغ‌ها اختصاص پیدا کرده است.

آقای سلطانزاده در آخر به تفاوت فرهنگی در مورد زنان در خود ایران پرداختند که بسیار بزرگ است و کمتر به آن توجه شده است. وقتی به ایران بزرگ و تاریخی نگاه می‌کنیم: در عیلام یک جور بودهاست، در پارس و ماد کاملاً متفاوت از عیلام بوده است، به این نتیجه می‌رسیم که در ایران بزرگ هم در طول تاریخ این تفاوت‌های فرهنگی وجود داشته، مثال بارز آن موضوع گیلان و مازندران است که مسأله جنسیت در این دو خطه با نواحی کویری بسیار متفاوت است. با وجود اینکه هر دو خطه هم مسلمان بوده اند ولی در گیلان و مازندران روابط مرد و زن خیلی نزدیک بوده و این تمایز شدید نبوده و در نواحی کویری برعکس. پس جغرافیا هم در این مورد همواره در طول تاریخ نقش داشته است.